

حل مسائل ایران در داخل ایران و یا از خارج ایران؟

جواد قاسم آبادی

این قلم ریز نقش بر این باور است که تنها با وجود شبکه ای مخفی و سراسری از هسته های جایگزین در سایه، در هر موسسه انتفاعی و یا غیر انتفاعی، متشکل از باورمندان به آزادی و برابری حقوق شهروندان، در همه جای ایران، خواهیم توانست در ناگزیر فردای بپا خواستن بزرگ موجی که بنیاد نظام حاکم را تنها در چند روز در سراسر ایران بر خواهد کَند، اراده ای سراسری که خواسته های تاریخی مردم سراسر ایران؛ آزادی، مساوات و عدالت؛ را از طریق حاکمیت مستقم آحاد ساکنین ایران بر سرنوشت خویش، محقق خواهد نماید.

آیا این دو پروژه به نتایج مشابهی منجر خواهند گردید؟

در شرایطی که ایران از بحران های اقتصادی و سیاسی عمومی رنج می برد، بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای تداوم نظام، خواستار هر چه پلیسی-نظامی تر کردن تمامی ارکان جامعه است. در چنین شرایطی هر نوع تهدید به حملهء نظامی به ایران، به هر دلیلی که باشد، از هر طرفی که باشد، باعث ایجاد همگرایی در حاکمیت مذهبی خواهد گردید. حاکمیتی که در اثر فشارهای مدنی همه جانبه مردم و ناراضیتی سراسری از سیاست های این نظام در تمامی زمینه ها، در حال تلاشی است.

تهدید های خارج از مرزهای ایران که عموماً با زور اسلحه و مرگ، برای سرنگونی این نظام و کسب قدرت سیاسی عرضه می شوند، نه تنها به پلیس-نظامی تر شدن رژیم، تداوم سرکوب و هر چه بیشتر ولایتی کردن حاکمیت یاری می رساند بلکه همین خطر جنگ، به وسیله ای برای فریب جوانان و دوستداران یکپارچگی ایران، به ترفندی برای هر چه بیشتر محدود کردن تمامی آزادی ها، به دستاویزی برای جدا کردن هر چه بیشتر زنان از مردان در تمامی زمینه های اجتماعی، به بهانه ای جهت دست دوم تلقی کردن آحاد مردم ایران؛ برغم زن و مرد و جوان و پیر؛ تبدیل خواهد گردید و به نفع منافع اقلیت ناچیز ذوب شدگان در ولایت فقیه در کسب تمامیت قدرت و در نتیجه فشار هر چه بیشتر و هر

چه نظامی تر کردن مناطق دور از پایتخت و سرکوب هر چه وسیع تر فرد فرد آزادی خواهان و مساوات جویان، از طرف جناح نظامی و جنگ طلب حاکمیت، مصادره به مطلوب خواهد گردید.

بدنبال خیزش عمومی برای دفع زور، دروغ و بدکاری و کسب آزادی، برابری و عدالت در کشورهای منطقه و نتایج متفاوت استقرار این خواسته های عمومی، آزادی، برابری و عدالت در این کشورها تا امروز، با تجربه های دخالت های گوناگون از طرف دولت های کشورهای خارجی در کشورهای متلاطم منطقه، روبرو بوده ایم. سیاست ها در مورد لیبی و بحرین از طرف هیچ یک از دولت های جهان به شکل مشابه اتخاذ نشده اند. متأسفانه امروز هستند ایرانیانی که شرایط کشور ایران را بیشتر شبیه لیبی می بینند تا بحرین! و در مناظراتشان از ایجاد "یک چتر دفاعی هوایی" از طرف "جامعه جهانی" برای "کمک بشردوستانه" به مردم ایران سخن می گویند. روندی که در مرحله بعدی، بنمایندگی مردم ایران ممکن است از نقطه ای در خارج از خاک ایران، "بمباران هوشمند" این و یا آن نقطه از خاک ایران را "جهت کمک های بشر دوستانه"! به مردم مناطق گوناگون ایران به «جامعه جهانی» (می توانید بخوانید شورای دولت ها در حفظ امنیت سرمایه های جهانی) پیشنهاد نماید.

برای آن دسته از ایرانیان که قیام شکوهمند دانشجویی هجدهم تیرماه هفتاد و هشت و پیام جوانان در عبور از این نظام را درک کردند، پیش بینی این تند پیچی تاریخی در نفی تمامیت نظام جمهور اسلامی ایران، ناممکن نه بود. بسیاری این دوران آگاهی عمومی و اعتلای اراده جوان مردم سراسر ایران در کسب حقوق حقه خود را بچشم می دیدند و با مشاهده خواست آگاهترین قشر جوان و تحصیلکرده سراسر ایران، شمارش معکوس عبور از نظام نه جمهوری نه اسلامی را آغاز نمودند. قابل پیش بینی بود که در اثر کلان مدیریت این رژیم، ناگزیر اعتلای ادامه حکومت را بر حاکمان به شکل امروزی ناممکن خواهد نمود. فشارهایی که رهبران نظام را به عبور از نظام "جمهوری اسلامی" به یک نظام تمام عیار خلافتی مجبور نموده است. آگاهی که روز به روز از طرفداران قدرت حاکم می گاهد و به توده طرفداران رنگارنگ یک جایگزین آلترنانت، دموکرات و لائیک می افزاید. از این رو هر فرد و یا جریانی که با این اراده عمومی برای انتقال مستقیم قدرت به مردم سراسر ایران سر ناسازگاری گذارد، تنها این عبور از آخرین تند پیچ تاریخ ایران را، پرهزینه تر و دیرتر خواهد نمود. از این رو و با مشاهده شکلگیری روزمره

جایگزین دموکراتیک نظام ظلم حاکم بر ایران، به روشنی و با پیگیری، با هر گونه دخالت خارجی؛ هر نوع حمایت دولت های خارجی، چه نظامی و چه غیر نظامی و به هر دلیلی و از هر کسی که باشد؛ در امر استقرار آزادی و برابری و کوشش در راه تحقق عدالت اجتماعی در آینده ایران، مخالفم. تغییر مثبت در آینده ایران تنها از طریق جنبشی مدنی و همگانی برای نفی هر چه آرامتر و کم تلفات تر "نظام" (می توانید بخوانید بی نظمی) موجود و زایمان هر چه کم دردتر شرایط استقرار آزادی و برابری و کوشش در راه تحقق عدالت اجتماعی، با پشت سر گذاشتن یک دوره اعتصاب های عمومی و سراسری و تظاهرات خیابانی در سراسر کشور و شکلهای جایگزین در سایه سازمان یافته بر بستر این اعتصابات مراکز تولید، توزیع و خدمات و سپس دخالت فعال این هسته ها در تظاهرات خیابانی، صورت خواهد پذیرفت. جنبشی از هسته های مخفی که با سازماندهی غیر متمرکز، در تمامی مراکز تولید و توزیع و خدمات، شبکه جایگزین در سایه را در سراسر ایران سازمان خواهند داد و رهبری تظاهرات خیابانی را در دست خواهند گرفت.

این قلم ریز نقش بر این باور است که تنها با وجود شبکه ای مخفی و سراسری از هسته های جایگزین در سایه، در هر موسسه انتفاعی و یا غیر انتفاعی، متشکل از باورمندان به آزادی و برابری حقوق شهروندان، در همه جای ایران، خواهیم توانست در ناگزیر فردای بپا خواستن بزرگ موجی که بنیاد نظام حاکم را تنها در چند روز در سراسر ایران بر خواهد کاند، اراده ای سراسری که خواسته های تاریخی مردم سراسر ایران؛ آزادی، مساوات و عدالت؛ را از طریق حاکمیت مستقیم آحاد ساکنین ایران بر سرنوشت خویش، محقق خواهد نماید. در چن شرایطی با مشارکت عمومی، قادر خواهیم گردید، حداقل آزادی های سیاسی را فراهم آوریم تا در یک زمانبندی ممکن، بین یک تا سه سال، همهء مسئولین مملکتی، از انجمن ها و شوراهای محلات، تا مجالس فدراسیون ها، تا مجلس موسسان، تا نهاد ریاست جمهوری، با مشارکت سراسری و مراجعه به رای مساوی، مستقیم، دوره ای و مخفی شهروندان انتخاب شوند. انتخاباتی که به سهم خود برای نخستین بار در تاریخ ایران، قدرت را مستقما به صاحبان اصلی آن؛ آحاد مردم سراسر ایران؛ باز خواهد گرداند. این ارادهء ملل ایرانی برای حاکمیت مستقیم بر سرنوشت خویش و این اعادهء حق مساوی مستقیم مشارکت فرد فرد ساکنین کنفدراسیون ایران در قدرت، در یک مجلس موسسان سراسری برای همیشه قانونمند خواهد گردید.

موفق باشید

جواد قاسم آبادی، یکم آبانماه نود

javad.ghassemabadi@no-log.org